

هنر بکار نیابد جو بخت بد باشد  
چکند رو زمیند و ارون بخت  
باز وی بخت به که باز وی سخت  
بسر گفت ای بد را فواید سفر بسیار است  
از نزهت و جذب منافع و درین  
عجایب و شنیدن غرایب و تفریح  
بلذات و مجاورت خلایق و تحصیل  
جاه و ادب و مزید مال و کسب  
و معرفت یاران و تحریر روزگار  
چنانک ساکانه طریقت گفته اند  
شور نابد گمان و خانه در کمر وی  
هرگز ای جام آدمی نشوی  
بتر از اندر جهان تفریح کن پیش  
انسان روز کن جهان بر وی  
بدر گفت ای سپر منافع سفر بدین  
نقط که بیان کردی بی شمار است  
ولیکن مسلم پنج طایفه است

باز نگاه

باز را کافی را که وجود نعمت و مکن  
و غلام و کیندک و شاگردان چاید  
دارد و هر روز استماری و هر شب  
بقافی و هر دم بتفریح کاهی از نعیم  
در دنیا مجتمع چنانک گفته اند  
سعم بکوه و درشت و بیابان غریب  
نیست هر جا که رفت همه زرد و خواب  
گاه ساحت و آنرا که بر مدار جهان  
نیست دست رس در ناز بوم  
خوابش غریب است ناشناخت  
**دوم** عالمی بمنطق شهریه و قوت  
فضاحت و مایه بلاغت هر جا که  
سرور بخند متش اقدام نمایند و اگر  
**نظم** وجود محرم و نامثال نرها  
و طلی است که هر کجا که رود قدرش  
تبعش دانند بزرگ نازد نادان  
بسته و مانند که در روز بار غریبش